ادامه از صفحه اول

عراق و احیای روابط با غرب

به دنبال چندین نوبت سفر وزرای دفاع و خارجه فرانسه که در شروع زمامداری الکاظمی به بغداد انجام و برخی زمینه‌سازی‌های لازم برای عبور از دوران پساصدام در عراق صورت گرفت، سرانجام امانوئل مکرون در یک سفر غیرمنتظره و کوتاه در اواسط شهریور ماه گذشته در ادامه سفری که به لبنان بحرانی ناشی از انفجارات بندر بیروت و آغاز شمارش معکوس بازگشت به اصطلاح «قیمومیت» مجدد فرانسه در لبنان انجام شد، اولین سفر یک رییس کشور اروپایی به عراق در گیر تلاطمات پس از شهادت و ترور ناجوانمردانه سپهبد سلیمانی توسط نیروهای امریکایی را شاهد بودیم که در جریان آن زنگ آغاز مجدد «مشارکت استراتژیک» مناسبات بغداد پاریس، در سکوت «ابهام‌آمیز» تهران که با جانفشانی‌ها و سرمایه گذاری‌های فراوان مادی و معنوی و در مبارزات رو در رو با داعشیان تروریست، امنیت، ثبات و یکپارچگی عراق را حفاظت کردند، نواخته شد. طی سفر نخست‌وزیر عراق به فرانسه و بر اساس بیانیه کاخ الیزه پیرامون سفر مصطفی الکاظمی در مذاکرات خود با رییس جمهور فرانسه بدون هیچ گونه اشاره‌ای به تحرکات اهانت‌آمیز علیه پیامبر گرامی اسلام(ص) توسط مجله فکاهی «شارلی ابدو» و حمایت آقای مکرون از انتشار کاریکاتوری این نشریه، قتل «ساموئل پتی» معلم فرانسوی را محکوم و همدردی خود را با فرانسه در مبارزه با تروریسم ابراز کرده است. رییس جمهور فرانسه در دیدار با نخست‌وزیر عراق حمایت خود را از اقدامات هفته‌های اخیر دولت آقای الکاظمی برای متوقف کردن آنچه «حملات غیرقابل قبول علیه اماکن دیپلماتیک در عراق نامیده» بیان کرده است. مکرون همچنین در خصوص مناسبات دوجانبه و همکاری‌های بغداد-پاریس، از راه‌اندازی مرکز بهداشتی درمانی واقع در شهر عراقی «سنجر» و آغاز به کار ساخت بیمارستان جدیدی در این شهر استقبال کرد. ایشان همچنین خاطرنشان کرده است که فرانسه در سال ۲۰۲۰ سهم خود را برای مشارکت در برنامه عملیات مین‌روبی سازمان ملل موسوم به «UNMAS» در عراق تجدید کرده تا پروژه بازگشت شهروندان عراقی به مناطق امن و پاکسازی شده‌ای که قبلا ساکن آنجا بوده‌اند، به‌طور قطعی اجرا شود. همچنین رییس جمهور فرانسه در دیدار با نخست‌وزیر عراق از مشارکت یک میلیون یورویی کشورش در طرح سازمان ملل جهت تامین ملزومات الکترونیکی برگزاری انتخابات زودرس سراسری در عراق که آقای الکاظمی برگزاری آن را اعلام کرده، یاد کرد. رییس جمهور فرانسه و نخست‌وزیر عراق، توافق خود را برای تداوم تلاش‌های‌شان به منظور بسیج شرکای منطقه‌ای و بین‌المللی عراق برای حمایت از ثبات و امنیت این کشور ابراز داشتند. امانوئل مکرون در پیام توییتری خود که در پایان سفر الکاظمی به فرانسه منتشر کرد، نوشت: مبارزه علیه تروریسم اسلامی، به شکست کشاندن دشمن در نطفه و در جریان عملیات است. بدین ترتیب ثباتی که لازمه تمامیت ارضی عراق است، تضمین می‌شود. من با نخست‌وزیر عراق دیدار کردم که نظرات را برای اقدام مشترک در نظر قرار دهیم. اینکه فرانسه دوران آقای مکرون با ناکامی‌های مشخص در صحنه داخلی این کشور و ناتوانی در کنترل و پاسخگویی به مطالبات فراوان فرانسوی‌ها، مسیر دیپلماسی و حضور فرانسه در صحنه خاورمیانه و به‌ویژه لبنان، عراق و سوریه را برگزیده و درصدد است تا به جبران مافات و سراب عبور از این شرایط، مقدمات رسیدن به دور دوم ریاست‌جمهوری خود را فراهم کند، می‌تواند جایگاه خود را در عملکردهای امروز فرانسه و آقای مکرون در بحران فرهنگی و رویارویی با دنیای اسلام به خوبی نشان دهد. لیکن سوال اینجاست که آیا در این معرکه بازاری که آقای مکرون نیابتا برای مساعدت به رژیم صهیونیستی و ارتجاع عرب وارد کارزار شده، حکومت عراق آگاه است که در چه مسیری حرکت و با چه سرنوشتی برای خود و همراهان روزهای سختش در انتظار است؟

زخم مهاجرت

نویسندگی لیلا حکمت و کیوان سررشته) را در این موضوع دیده‌ام و از عرق شرم پدران فراوانی نزد خانواده‌شان و تن‌فروشی‌های ناشی از فقر و... می‌گذریم. در کشوری که تا همین چند دهه پیش هزار، هزار از کشورهای غربی و عربی و آسیایی برای کار کردن به آن مهاجرت می‌کردند در روزهای گذشته دو مشاهده مستقیم داشتم که هر آدمی را جریحه‌دار می‌کند. سه جوانی را دیدم که فارغ‌التحصیل رشته‌های پزشکی و آماده جلای وطن بودند. استدلال یکی از آنها این بود که دوست هم‌دوره‌ای من که فارغ‌التحصیل داروسازی است به افغانستان مهاجرت کرده و ماهی ۷ هزار و ۵۰۰ دلار حقوق می‌گیرد. در مشاهده دوم کارگران یک واحد ساختمانی با مهاجرت به عراق چند روز فعالیت آنجا را به تعطیلی کشاندند به دلیل اینکه در عراق روزی ۶۰ دلار حقوق می‌گیرند. این ارقام در آن کشورها رقم قابل توجهی نیستند اما برای کشوری که ارزش پول ملی‌اش به این حد سقوط کرده است رقم بالایی است. مهاجرت از همه گروه‌ها، معنای عمیقی دارد اگر مسوولان کشور درک کنند. مشاهده مواردی که احتمالا بسیاری از مردم دیگر هم نمونه‌های دیگری را سراغ دارند فقط درهم شکستن غرور ملی نیست بلکه صدای درهم شکستن کرامت و انسانیت یک ملت هم هست. مردمی که در سرزمین خودشان که یکی از ثروتمندترین کشورهای دنیاست آنقدر دچار تنگی معیشت و فشار بیکاری و ناامیدی به آینده هستند که ناگزیر از چنین انتخاب‌هایی می‌شوند. با داشتن چنین جامعه‌ای، داشتن عظیم‌ترین موشک‌های قاره‌پیما دیگر چه سودی دارد؟ بدون شک برای یک استراتژی دفاعی در دنیای قدرت‌های زورگو مجهز بودن به ابزار دفاعی واجب است اما بدون داشتن مردمی شاد، آزاد و مرفه چه تضمینی وجود خواهد داشت؟ به جای هماوردی‌هایی که چنین پیامدهایی دارد به فکر توسعه و رفاه مردم باشیم که نیازمند راهبردهایی منطقی‌تر است. اقتصاد، علم است، سیاست علم و هنر است، جامعه‌شناسی علم است، مدیریت علم و تجربه است، کشور را باید با علم اداره کرد نه با شعار که جز فقر و محنت نمی‌آورد.

یادداشت

The New York Times

انتخابات مجلس نمایندگان و سنا در سطح فدرال همزمان با انتخابات ریاست‌جمهوری برگزار می‌شود

انتخابات سرنوشت‌ساز کنگره

دکتر احمد ترابی

امریکاییان در ماه نوامبر فقط در انتخابات ریاست‌جمهوری شرکت نمی‌کنند و انتخابات متعدد دیگری هم هستند که هم در سطح فدرال و هم در سطح ایالتی در این ماه برگزار می‌شوند و اهمیت آنها هم کمتر از انتخابات ریاست‌جمهوری امریکا نیست و حتی می‌توانم بگویم که انتخابات دیگر در امریکا و ایالت‌های آن آثار ملموس‌تر و محسوس‌تری در زندگی امریکایی‌ها دارد و به همین علت هم در ایالت‌های مختلف نسبت به آن حساسیت‌های بیشتری وجود دارد. در این مقاله انتخابات دیگر امریکا در سطح فدرال شامل انتخابات مجلس نمایندگان و مجلس سنا به اختصار بررسی می‌شوند.

۱- House of Representatives

مردم هر ایالت امریکا در انتخابات ماه نوامبر، نمایندگان خود را برای مجلس نمایندگان نیز انتخاب می‌کنند. مهم‌ترین وظایف مجلس نمایندگان عبارتند از: تصویب قوانین مربوط به درآمد دولت که تنها مجلس نمایندگان صلاحیت رسیدگی به آن را دارد، استیضاح ریاست‌جمهوری و مسوولان دیگر دولتی و همچنین یکی دیگر از مهم‌ترین وظایف مجلس نمایندگان انتخاب رییس جمهوری است در شرایطی که هیچ کاندیدایی رای اکثریت را نیاورد. تعداد نمایندگان مجلس نمایندگان (بر خلاف آنچه برخی منابع فارسی آن را ۵۳۸ نفر ذکر کرده‌اند) ۴۴۱ نفر است. اما نکته جالب آن است که تعداد شش تن از این نمایندگان (که از مناطقی هستند که هنوز در تقسیمات کشوری به عنوان ایالت به رسمیت شناخته نشده‌اند) فقط عضو ناظر هستند و حق رای ندارند. بنابراین تعداد نمایندگان دارای حق رای ۴۳۵ نفر هستند. مبنای قانونی تعیین تعداد نفرات مجلس نمایندگان هم قانون اساسی است و هم قانون عادی.

در قانون اساسی امریکا بند سوم از بخش دوم اصل اول قانون اساسی این کشور مقرر داشته است که تعداد نمایندگان هر ایالت بر حسب جمعیت آن ایالت تعیین می‌شود و سرشماری جمعیت هر ایالت برای تعیین تعداد نمایندگان هر ایالت را کنگره از طریق قانون تعیین می‌کند. همچنین بخش دوم اصلاحیه چهاردهم قانون اساسی امریکا نیز این وظیفه را بر عهده کنگره امریکا گذاشته است.

بر اساس وظیفه‌ای که قانون اساسی امریکا مقرر کرده است، کنگره امریکا قوانین مربوط به اعمال نرخ جمعیت در تعیین تعداد نمایندگان را تصویب کرده است که موسوم به Apportionment Act هستند. اولین قانون در سال ۱۷۹۲ تصویب شد و تعداد نمایندگان را ۱۰۵ نفر تعیین کرد. دومین قانون نیز در سال ۱۹۱۱ تصویب شد که تعداد نمایندگان را ۴۳۳ نفر تعیین کرد به علاوه دو نفر نماینده دیگر برای ایالت‌های آریزونا و نیومکزیکو که در سال ۱۹۱۲ به عنوان ایالت‌های جدید امریکا پذیرفته شدند که جمعا تعداد نفرات مجلس نمایندگان امریکا به ۴۳۵ نفر بالغ می‌شود. بر اساس قانون مذکور مشخص می‌شود که سهم هر ایالت به نسبت جمعیتش در مجلس نمایندگان چقدر است. مثلا ایالت کالیفرنیا بیشترین سهم نماینده را دارد که ۵۳ نفر است در حالی که ۷ ایالت شامل Delaware، Alaska، Montana، North Dakota، South Dakota، Vermont، Wyoming، فقط یک نفر نماینده دارند. همان‌طوری که ذکر کردم شش نفر نماینده هم بدون حق رای هستند که جمع کل نمایندگان این مجلس را به ۴۴۱ نفر می‌رسانند. دوره مدت نمایندگی هر نماینده دو سال است و در انتخابات نوامبر مردم هر ایالت نمایندگان ایالت خودشان را نیز انتخاب می‌کنند. قانون دیگری هم پس از قانون فوق‌الذکر در سال ۱۹۲۹ تصویب شد تحت عنوان Reapportionment Act که در واقع جانشین همان قانون ۱۹۱۱ بود و این قانون به ایالت‌ها اجازه داد که مناطق جمعیتی و جغرافیایی را در هر ایالت برای تعیین نمایندگان خودشان مشخص کنند و انتخاب نمایندگان هر ایالت در مناطق مختلف آن ایالت صورت می‌گیرد. بنابراین و برای مثال ایالت کالیفرنیا که دارای بیشترین نماینده در مجلس نمایندگان است دارای ۵۳ منطقه مشخص است که به آن District گفته می‌شود و کاندیداهای مجلس نمایندگان در هر District خودشان را برای مجلس نمایندگان کاندیدا می‌کنند که در نهایت یک نفر از هر District در هر ایالت به مجلس نمایندگان راه پیدا می‌کند.

پس در روز سوم نوامبر مردم امریکا، برای مثال در ایالت کالیفرنیا علاوه بر رای به رییس جمهور، در هر District به کاندیدای خود برای مجلس نمایندگان نیز رای خواهند داد. در حال حاضر هم اکثریت مجلس نمایندگان در اختیار حزب دموکرات است که ۲۳۲ کرسی و حزب جمهوری‌خواه ۱۹۷ کرسی در اختیار دارند. اگر دموکرات‌ها کنترل مجلس نمایندگان را همچنان در اختیار داشته باشند، می‌توانند حتی در صورت پیروزی آقای ترامپ از طریق کنترل بودجه و امور مالی ترمزی برای مهار و کنترل او در دست داشته باشند. ضمن اینکه در یک فرض احتمالی اگر دو کاندیدای ریاست‌جمهوری آرای الکترال مساوی داشته باشند یعنی هر یک از دو نامزد ۲۶۹ رای الکترال به دست بیاورد، بر اساس اصلاحیه دوازدهم قانون اساسی امریکا، مجلس نمایندگان وظیفه انتخاب رییس جمهوری را بر عهده دارد. این نکته را هم اضافه کنم که چنین امری فقط یک‌بار در تاریخ امریکا اتفاق افتاد که ریاست‌جمهوری توسط مجلس نمایندگان انتخاب شد و آن هم در سال ۱۸۲۴ بود که مجلس نمایندگان امریکا جان کوئینسی آدامز John Quincy Adams را به عنوان ششمین رییس جمهوری امریکا انتخاب کرد و این اتفاق دیگر در تاریخ امریکا تکرار نشده است.

۲- انتخابات مجلس سنا United States Senate

مجلس سنای امریکا دارای اختیارات قانونگذاری خاص خود است و مهم‌ترین وظایف آن عبارتند از: تصویب طرح‌ها و لوایحی است که از سوی مجلس نمایندگان به آن ارجاع می‌شود، تصویب استیضاح مقامات دولتی از جمله رییس جمهور که ابتدائا توسط مجلس نمایندگان اجرامی شود و تعیین و تایید صلاحیت قضات دیوان عالی کشور که توسط ریاست‌جمهوری به سنا معرفی شده‌اند. استقرار مجلس سنا در واقع حاصل مصالحه ابتدایی ایالت‌های امریکا برای تشکیل ایالات متحده امریکا بود، زیرا هنگامی که نمایندگان ایالت‌ها که در سال ۱۷۷۶ برای تعیین نمایندگان در شهر فیلادلفیا جمع شده بودند در خصوص تعیین نمایندگان هر ایالت دچار اختلاف‌نظر شدید شدند، زیرا ایالت‌های پرجمعیت و عمدتا شمالی خواستار تشکیل یک مجلس بر مبنای تعداد جمعیت هر ایالت بودند در حالی که ایالت‌های کم جمعیت نگران آن بودند که این سیاست منجر به اعمال نفوذ و سلطه ایالت‌های پرجمعیت در نهاد قانونگذاری بشود و در نهایت به این مصالحه دست یافتند که نهاد قانونگذاری از دو مجلس تشکیل شود به این ترتیب که مجلس نمایندگان امریکا بر اساس تعداد جمعیت و مجلس سنا بر اساس تعداد ایالت‌های امریکا تشکیل شود به این معنا که از هر ایالت ۲ نفر نیز به‌طور مساوی به مجلس سنای امریکا راه یابند و به این ترتیب ایالت‌های کوچک‌تر و کم جمعیت‌تر می‌توانستند به اندازه ایالت‌های بزرگ‌تر بر روند تصمیم‌گیری تاثیر بگذارند. در این طرح، مجلس سنا به عنوان مجلس اعلی یا Upper Chamber در نظر گرفته شد که تفوق و برتری نسبت به مجلس نمایندگان دارد.

مبنای قانونی تشکیل مجلس سنا بخش سوم از اصل اول قانون و اصلاحیه هفدهم قانون اساسی امریکا است. بر اساس این اصل دو سناتور از هر ایالت برای مدت شش سال انتخاب می‌شوند که سنای ایالات متحده را تشکیل می‌دهند و هر سناتور دارای یک رای است. همچنین سناتورها باید بلافاصله به سه دسته در حد امکان مساوی تقسیم شوند. کرسی سناتورهای دسته نخست باید در پایان سال دوم، کرسی‌های دسته دوم در پایان سال چهارم و کرسی‌های دسته سوم در پایان سال ششم خالی شود، به طوری که بتوان هر دو سال یک‌بار یک‌سوم نمایندگان را دوباره انتخاب کرد. بر اساس اصل اول قانون اساسی انتخاب مجلس سنا بر عهده نمایندگان مجلس ایالتی بود، اما بر اساس اصلاحیه هفدهم قانون اساسی که موخر است، انتخاب نمایندگان مجلس سنا بر اساس رای مستقیم مردم تعیین شد. بنابراین در انتخابات سوم نوامبر مردم هر ایالت مستقیما از میان کاندیداهای شرکت‌کننده در رقابت، به دو کاندیدا رای خواهند داد و آن دو را به مجلس سنا می‌فرستند.

با توجه به اینکه تعداد سناتورهای جمهوری‌خواه در حال حاضر ۵۳ نفر و تعداد سناتورهای دموکرات در حال حاضر ۴۵ نفر هستند و دو سناتور مستقل هم هستند که در مجلس سنا حضور دارند، در انتخابات جاری ۳۵ کرسی مجلس سنا نوبت انتخاب مجددشان است، حزب دموکرات تلاش زیادی را برای کسب اکثریت آرا انجام می‌دهد و اگر با به دست آوردن دو یا سه کرسی بیشتر اکثریت را در مجلس سنا به دست بگیرد حتی اگر آقای ترامپ رییس جمهور بشود نه فقط می‌تواند او را مهار کند بلکه حتی از طریق استیضاح ممکن است بتواند او را از قدرت ریاست‌جمهوری به عقب براند و اگر آقای بایدن به ریاست‌جمهوری برسد به گمان من دموکرات‌ها در دو مورد مشخص دست به فعالیت خواهند زد.

مورد اول افزایش تعداد ایالت‌ها در ساختار سیاسی و تقسیمات کشوری امریکاست. در امریکا شش منطقه حاکمیتی هستند که هنوز از حقوق کامل سیاسی و حاکمیتی برخوردار نیستند و شامل جزایر ساموا Samoa، منطقه کلمبیا Colombia، جزایر گوام Guam، جزایر ماریانا شمالی North Mariana Islands، جزیره پورتوریکو Puerto Rico و جزایر ویرجین Virgin Islands هستند. این مناطق هم‌اکنون دارای نماینده در مجلس نمایندگان هستند که به عنوان ناظر شرکت می‌کنند و دارای حق رای نیستند و البته در مجلس سنا حضوری ندارند. اگر این مناطق به عنوان ایالت شناخته بشوند و حق رای خود را به دست بیاورند در این صورت می‌توانند مانند سایر ایالت‌ها دارای نماینده خودشان باشند. از آنجایی که مردم اغلب این مناطق (جز ساموا) طرفدار سنتی دموکرات‌ها هستند، افزایش این مناطق به عنوان ایالت و حضور با قدرت رای در ساختار سیاسی و حقوقی امریکا وزن سیاسی حزب دموکرات را افزایش خواهد داد. لذا اگر فرضا پورتوریکو به عنوان ایالت با تصویب مجلس سنا به ساختار سیاسی و تقسیمات کشوری امریکا افزوده شود، باید دو نماینده به مجلس سنا معرفی کند و از آنجایی که مردم پورتوریکو اکثرا طرفدار حزب دموکرات هستند، کاندیداهای این حزب احتمالا وارد مجلس سنا خواهند شد و چرخش قدرت در مجلس سنا به نفع دموکرات‌ها خواهد بود.

مورد دوم ترکیب دیوان عالی امریکاست که در حال حاضر ۹ نفر هستند و با تصویب اخیر صلاحیت قاضی خانم امی بارت به عنوان قاضی دیوان عالی توسط مجلس سنا، تعداد قضات محافظه‌کار در مقابل قضات دموکرات در حال حاضر ۶ به ۳ است که ضربه‌پذیری دموکرات‌ها و کلا جامعه مدنی امریکا را به شدت افزایش می‌دهد. به گمان من، اگر دموکرات‌ها در مجلس سنا به اکثریت برسند طرح افزایش قضات دیوان عالی را از ۹ نفر احتمالا به ۱۲ یا ۱۵ نفر مطرح خواهند کنند و به این ترتیب تلاش خواهند کرد تا با این کار خود را از فشار همیشگی این نهاد قضایی در تصمیمات مهم سیاسی خلاص و رها کنند و تاثیرپذیری تصمیمات عالی‌ترین نهاد قضایی را از فشارهای سیاسی تا حد ممکن کاهش بدهند.

بنابراین می‌توانم بگویم که اهمیت انتخابات این دوره امریکا در سطح فدرال را باید در سه سطح ریاست‌جمهوری، مجلس نمایندگان و مجلس سنا پیگیری کرد و به نظرم اهمیت به ویژه انتخابات مجلس سنا از دو انتخابات دیگر بیشتر باشد.

گزارش روز

عقب‌نشینی رییس جمهور فرانسه از مواضع اسلام‌ستیزانه افراطی

مکرون: عصبانیت مسلمانان را درک می‌کنم

گروه جهان | امانوئل مکرون، رییس جمهور فرانسه بعد از چندین روز موضع‌گیری افراطی و تند در قبال مسلمانان، در مصاحبه‌ای با شبکه خبری الجزیره قطر اندکی از مواضع خود عقب‌نشینی کرد. رییس جمهور فرانسه بدون اینکه مستقیما بگوید از کاریکاتورهای توهین‌آمیز به عقاید مسلمانان حمایت نمی‌کند، گفت: «برخی رهبران سیاسی به گونه‌ای مسائل را مخدوش جلوه می‌دهند که خیلی‌ها فکر می‌کنند من از این کاریکاتورها حمایت کرده‌ام.» مکرون که درون فرانسه با خشونت‌های تروریستی برخی از تندروهای پیرو وهابیت مواجه است و در خارج با موضع‌گیری‌هایش باعث خشم کشورهای مسلمان شده است و با جنبش «تحریم کالاهای فرانسوی» منافع اقتصادی کشورش را در خطر می‌بیند، در گفت‌وگو با الجزیره تاکید کرد که «بهت و عصبانیت مسلمانان» را از به نمایش گذاشتن کاریکاتورهای اهانت‌آمیز به پیامبر اسلام درک می‌کند. امانوئل مکرون با اظهاراتی همچون «بحران اسلام در سراسر جهان»، پروژه‌اش برای «اصلاح اسلام» و اطلاق واژه برانداز به مسلمانان فرانسه، باعث واکنش‌های تندی میان رهبران کشورهای مسلمان شده‌بود.

مکرون در مصاحبه‌ای که شنبه شب از شبکه خبری الجزیره پخش شد، گفت: «من احساساتی را که بیان می‌شود درک می‌کنم و به آن احترام می‌گذارم. اما باید بدانید که وظیفه من در حال حاضر شامل دو اقدام است: ترویج آرامش و همزمان حمایت از حقوق اساسی.» او در ادامه با تکرار مواضع پیشین دولت کشورش، بدون اشاره مستقیم به حمایت از رسم کاریکاتورهای توهین‌آمیز نسبت به پیامبر اسلام(ص) گفت: «من همواره در کشورم از آزادی بیان، نوشتن، اندیشیدن و نقاشی کردن حمایت می‌کنم.»

گروهی اسلام و حرف‌های من را مخدوش می‌کنند!

مکرون همزمان رهبران سیاسی را به «بازتاب مخدوش» واقعیت متهم کرد و گفت رهبران کشورهای اسلامی به گونه‌ای رفتار می‌کنند که انگار کاریکاتورهای جنجالی را دولت فرانسه کشیده است. وی در ادامه گفت: «این کاریکاتورها در یک نشریه آزاد و مستقل چاپ شده است که هیچ ارتباطی با دولت فرانسه ندارد.

مکرون در ادامه با ادعای حمایت از مسلمانان گفت: «عده‌ای هستند که اسلام را مخدوش می‌کنند و به نام مذهبی که مدعی حمایت از آن هستند اقدام به قتل و کشتار می‌کنند. امروزه این شکل از خشونت توسط برخی گروه‌های افراطی و افراد به اسم اسلام انجام می‌شود. به نظر من این مساله مهمی برای اسلام است، چرا که مسلمانان نخستین قربانی این تفکر هستند. بیش از ۸۰ درصد از قربانیان تروریسم مسلمان هستند، این مشکلی برای همه ماست.»

حمله به اردوغان

به رغم تلاش مکرون برای بیان اظهاراتی که باعث تحریک بیشتر احساسات مسلمانان نشود، او بار دیگر در مقابل ترکیه رویکردی ستیزه‌جویانه و هماوردطلبانه اتخاذ کرد. مکرون که اخیرا در دعواهای لفظی تندی با رییس جمهور ترکیه وارد شده است، این بار اردوغان را به دروغگویی و ناسزاگویی متهم کرد و نیت‌های ترکیه را در منطقه شرق مدیترانه «امپریالیستی» توصیف کرد. در مورد اقدامات ترکیه در لیبی، سوریه و مدیترانه گفت: «ترکیه رویکردی ستیزه‌جویانه در مقابل اعضای ناتو دارد.» مکرون مدعی شد که هدف فرانسه کاهش تنش است اما ترکیه موضعی ستیزه‌جویانه دارد. وی گفت: «رییس جمهور ترکیه باید به فرانسه احترام بگذارد، باید به اتحادیه اروپا احترام بگذارد، باید به ارزش‌های اتحادیه اروپا احترام بگذارد و نباید دروغ بگوید و فحاشی کند.» به گفته مکرون، مداخله ترکیه در سوریه متحدان ناتو را غافلگیر و تاکید کرد که عدم رعایت تحریم‌های تسلیحاتی علیه لیبی یک اقدام «شدیدا تهاجمی» در شرق مدیترانه بود. او گفت: «من تصور می‌کنم که ترکیه نیت‌های امپریالیستی دارد و این نیات امپریالیستی برای ثبات منطقه خوب نیست.»

نگاه روز

خطر تروریسم هسته‌ای

سیدقاسم ذاکری

رابرت گرینیر یکی از ماموران ارشد سازمان سیا که در جریان حمله نظامی و اشغال افغانستان و عراق توسط امریکا از مسوولان میدانی سازمان سیا در دو کشور یاد شده بوده است در کتاب خاطرات خود مدعی شده که سلطان بشیرالدین دانشمند هسته‌ای پاکستان قبل از ۱۱ سپتامبر در قندهار با اسامه بن‌لادن تماس و مراوده داشته است. طبق ادعای مامور سیا در جریان بازجویی‌های امریکا و پاکستان از سلطان بشیرالدین او اعتراف کرده است که اسامه بن‌لادن در یک مهمانی در قندهار، درست یک سال قبل از ۱۱ سپتامبر از این دانشمند هسته‌ای پاکستانی درباره چگونگی دسترسی به سوخت هسته‌ای از طریق غنی‌سازی اورانیوم و پلوتونیوم سوال کرده است!

طبق روایت مامور سیا، سلطان بشیرالدین در بازجویی‌هایش گفته بود با اسامه بن‌لادن درباره جزییات فنی آزمایش‌های هسته‌ای موفقیت‌آمیز گفت‌وگو کرده است. همچنین این گفت‌وگوها شامل چگونگی ساخت و کاربرد سلاح‌های بیولوژیک نیز شده است! روایتگر سیا در ادامه مدعی می‌شود سلطان بشیرالدین همچنین اعتراف کرده که بنا به درخواست ابوزیدان از مسوولان القاعده، طرحی را تهیه و به ابوزیدان تحویل داده است که طبق آن چگونگی دسترسی به مواد اولیه هسته‌ای توضیح داده شده بود. سلطان بشیرالدین همچنین توضیح داده که از بررسی برخی لوله‌های فلزی در اختیار القاعده متوجه شده که گروه القاعده در تلاش برای دستیابی به اورانیوم غنی شده گرفتار شیادان و کلاهبرداران در بازار سیاه شده و تنها به مواد رادیواکتیو دارای کاربرد در پزشکی و عکسبرداری دست یافته بودند. دستگاه‌های جاسوسی و تبلیغاتی امریکا پس از اشغال افغانستان همچنین مدعی شدند که از یکی از اقامتگاه‌های بن‌لادن در نزدیکی قندهار اسنادی پیرامون تولید سلاح‌های بیولوژیک و شیمیایی پیدا کرده‌اند و طبق این اسناد ایمن‌الظواهری مسوول تهیه و تولید این نوع سلاح‌ها بوده است چنان که طبق اسناد ادعایی امریکا، القاعده به دانش مناسب برای تولید سلاح‌های بیولوژیک و شیمیایی دست یافته بود. جدای از ادعاهای مطرح شده علیه القاعده، دستگاه‌های امنیتی اروپا در سال ۲۰۱۶ پس از دستگیری دو برادر عضو داعش در بلژیک به نام‌های خالد و ابراهیم البکراوی که در بمب‌گذاری‌های بلژیک دست داشته‌اند ادعا کردند که این دو برادر به منظور انجام تروریسم هسته‌ای در اروپا به طور مخفیانه یک دانشمند هسته‌ای بلژیکی را که در نیروگاه هسته‌ای «تیهانج» کار می‌کرده را زیر نظر داشته‌اند!

تمامی مطالب مطرح شده در بالا صرفا مربوط به تلاش گروه‌های تروریستی و غیرمسوول برای توسل به تروریسم هسته‌ای و غیرمتعارف بوده است ولی عملا گروه‌های تروریستی در جنگ داخلی سوریه از مواد و سلاح‌های شیمیایی استفاده کردند. قبل از جنگ داخلی در سوریه یک گروه تروریستی در سال ۱۹۹۵ در مترو توکیو در ژاپن مردم عادی را هدف گاز سارین قرار داد؛ گروهی که طبق روایت دستگاه امنیت ژاپن برای دستیابی به مواد هسته‌ای نیز تلاش می‌کرده است! جدایی‌طلبان باسک نیز طی دهه ۹۰ میلادی قبل از شروع به کار نیروگاه‌های هسته‌ای در اروپا سعی می‌کرده‌اند این نیروگاه‌ها را از کار بیندازند. همچنین جدایی‌طلبان چچنی در سال ۱۹۹۵ جهت قدرت‌نمایی و ایجاد رعب، اقدام به کارگذاری بمب کثیف حاوی عنصر سزیوم (دارای کاربرد در عکسبرداری پزشکی) در یکی از پارک‌های مسکو کردند هر چند عامدانه مانع از انفجار بمب شده و قبل از انفجار به جهات ذی‌ربط خبر دادند.

از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ شیوه و الگوی عملیات‌های تروریستی به جای جلب توجه و امتیازگیری از رقیبان بر انتقام‌گیری سخت و به حداکثر رساندن تلفات متمرکز شده است؛ شیوه‌هایی که بدترین اشکال آن توسط گروه‌های تروریستی در عراق، سوریه و آفریقا نمایش داده شده است. اینک در نتیجه شکست امریکا در حل و فصل مشکلات غرب آسیا که منجر به پیچیدگی بیشتر این بحران‌ها و تقویت حس انتقام‌گیری بیشتر از غرب شده است همچنین در پرتو گسترش سلاح‌های بالفعل هسته‌ای در دنیا و دسترسی آسان گروه‌های تروریستی و غیرمسوول برای تولید و کاربرد انواع سلاح‌های غیرمتعارف شیمیایی، میکروبی و هسته‌ای، احتمال تروریسم هسته‌ای به مراتب بیش از گذشته شده است. وقتی چیزی حدود ۳۰ هزار سلاح هسته‌ای در دنیا وجود دارد و مواد هسته‌ای غنی شده برای تولید ۲۴۰ هزار سلاح هسته‌ای نیز در دنیا به صورت بالفعل وجود داشته باشد همچنین از طرف دیگر امکان سرقت سلاح یا سرقت مواد هسته‌ای دارای کاربرد نظامی یا حتی احتمال حمله به نیروگاه‌های هسته‌ای یا ساختن بمب کثیف به مراتب راحت‌تر از گذشته شده است آنگاه طبیعی است که جهان ناامن‌تر از گذشته شود بنابراین هر لحظه امکان دارد هر نقطه از دنیا به راحتی هدف تروریسم هسته‌ای قرار بگیرد. بدیهی است مسوولیت وخامت تهدید تروریسم هسته‌ای در جهان، بیش از هر طرف متوجه دارندگان زرادخانه‌های هسته‌ای در دنیا است به‌ویژه امریکا که به خاطر سیاست‌های غلطش در غرب آسیا سبب پیچیدگی بیشتر بحران‌ها در این منطقه شده است و به‌جای تمرکز بر یافتن راه‌های درست کنترل و نابودی سلاح‌های کشتار جمعی، بی‌جهت وقت و انرژی خود و بقیه را صرف تضعیف کشوری کرده است که هر نوع تولید، انبار و کاربرد بمب اتمی را حرام دینی اعلام کرده است.

کارشناس روابط بین‌الملل